

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Components of Iranian-Islamic Architecture and the Identity-Constructing
Role of Embellishments
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مؤلفه‌های معماری ایرانی-اسلامی و نقش هویت‌بخش تزئینات

حمید ممانی^۱، فهیمه یاری^{۲*}، سعید حقیر^۳

۱. پژوهشگر دکتری معماری، پژوهشکده نظر، تهران، ایران.

۲. پژوهشگر دکتری معماری، پژوهشکده نظر، تهران، ایران.

۳. عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۸ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۰۱ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۹/۱۱

چکیده

معماری ایران در دوران اسلامی به مثابه کارآمدترین ابزار خلق فضا توانسته آثار درخشان و ماندگاری را در معماری و شهرسازی به وجود آورد. خلق آثار شاخص معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقی و ایلخانی آغاز و در دوران صفویه به غایت رسید. معماری و شهرسازی سنتی ایران در دوران معاصر و با گسترش ارتباط با جهان غرب، از تفکرات و سبک‌های مدرن تأثیر پذیرفت. این سبک‌ها نتوانستند محملی برای انتقال فرهنگ ایرانی-اسلامی قرار گیرند و از سویی دیگر معماری اصیل ایرانی نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفت. در دوران کنونی تزئینات در معماری نیز به تاسی از این جریان بسیار سردرگم و بی‌هویت شده است و نمی‌توان در بسیاری از آنها اثری از مفهوم سرزمینی و هویتی یافت. همه این موارد توجه به احیای هویت تزئینات معماری ایرانی-اسلامی را ضروری می‌نمایند.

این مقاله بر آن است تا با دید تحلیلی به استخراج مفهوم و مؤلفه‌های معماری ایرانی-اسلامی دست یافته و پس از آن چگونگی کاربرد این مؤلفه‌ها در تزئینات معماری با هدف احیای هویت آن را مورد اشاره قرار دهد.

براین اساس، با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی منابع مورد بررسی کیفی قرار گرفته و در نهایت با استفاده از روش استقراء به بیان مؤلفه‌های معماری ایرانی-اسلامی پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در راستای احیای هویت‌مند تزئینات معماری ایرانی-اسلامی توجه به مؤلفه‌های "فرهنگ، اقلیم، اقتصاد، تحولات روز(سیاسی و آموزشی) و زیبایی (نسبی)" ضروری بوده و تزئینات با در نظرگرفتن این پنج مؤلفه می‌توانند جایگاه هویتی خود را در معماری کنونی ایران باز یابد.

واژگان کلیدی: معماری اسلامی، معماری ایرانی، تزئینات، الگو، معاصر.

مقدمه

و تشخیص‌دهی به مکان علاوه بر مفهوم باستانی‌گرایی در مفهوم معماری اسلامی نیز مستتر است. معماری ایران اسلامی از تحولات هنر غرب بی‌نصیب نبوده و با تکرار و تقلید از الگوهای معماری بیگانه در چنبره بحران هویت گرفتار آمد (فلامکی، ۱۳۵۵) و اکنون معماری ایران برای بازیافتن جایگاه هویتی خود، راه دشواری را در پیش رو دارد. در میانه این راه دشوار نیازمند

جوامع با تحولات تکنولوژی بر آن شدند که در راستای تشخیص‌بخشی به هویت مکان در هر فرهنگ و سرزمینی به خلق مفاهیم مرتبط با معماری اقدام کنند. می‌توان معماری باستان‌گرایی پست‌مدرن را تلاشی در امتداد این امر دانست. در ایران هویت‌بخشی

هویت مکان را چنین تعریف می‌کند: «هویت مکان یعنی حدی که یک شخص می‌تواند مکانی را از سایر مکان‌ها بشناسد یا بازشناسایی کند، به طوری که آن محل شخصیتی مستقل یا بی‌نظیر حداقل مخصوص به خود را دارا باشد» (نقره‌کار و علی‌الحسابی، ۱۳۹۶: ۲۴-۲۷). محیط از آن جهت که تجلی کالبدی باورها و ارزش‌های فرهنگی جامعه است، می‌تواند در احساس هویت بی‌تأثیرگذار باشد (حبیب، نادری و فروزان‌گهر، ۱۳۸۷: ۱۴).

در واقع معماری و تزیینات پیوسته با آن در هر بومی، از فرهنگ آن نقش می‌پذیرد و هر بنایی به عنوان جزئی از فرهنگ معماری این وظیفه را دارد که یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری و تزئیناتش عینیت بخشد (ذوالفقارزاده و حصار، ۱۳۹۳: ۳۳). این نکته بر این دلالت دارد که معماری واجد رسالتی است تا ارزش‌های کهن فرهنگی را در درون ذات خویش پاس دارد و براین اساس، عنصری هویت‌بخش به ساختار فرهنگی شمرده شود. چنانچه التزام همگونی فرهنگ و معماری در آثار معماری جهان نیز مشاهده می‌شود (حبیب، نادری و فروزان‌گهر، ۱۳۸۷: ۱۵). در معماری خاورمیانه مفهوم هویت می‌تواند نقش پراهمیتی در تزیینات آن داشته باشد. زیرا تزیینات عنصر جدانشدنی و پیوسته با معماری این منطقه است و ورود اسلام نیز تنها تا مقطع کوتاهی توانست از تزیینات معماری آن بکاهد. به واقع هویت معماری این منطقه از دنیا ارتباط نزدیکی با تزیینات به کار رفته در آن دارد. شهرهای تاریخی و سنتی ایران نیز با توجه به تزییناتی که هنوز در بناهای تاریخی آن‌ها دیده می‌شود، واجد روحیه نیاکان این سرزمین هستند که شکل‌دهنده شاکله فرهنگی امروز و تبیین شاخصه‌های هویتی امروزی به شمار می‌رود (همان: ۱۹).

تزیین و نقوش ذیل دسته هنر تعریف می‌شود. تصویر چگونگی به وجود آمدن تزیینات معماری تحت تأثیر هنر هر سرزمین و به تبع آن فرهنگ و بستر زمانی و مکانی را نشان می‌دهد. آن‌چه معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی خوانده می‌شود، از یک سو ریشه در میانی نظری دین مبین اسلام و از دیگر سو ریشه در فرهنگ ایرانی، ناشی از زندگی دیرپا در این پهنه از گیتی دارد. به عبارت دیگر وجود معماری و شهرسازی کهن و باستانی سرزمین ما در دوران پیش از ظهور و بروز اسلام، آموزه‌های مفهومی ویژه‌ای را برای معماران و شهرسازان این آب و خاک به همراه داشته که پس از رواج دین اسلام تکامل و جلوه دیگری یافته است.

معماری که پیرنیا به عنوان الگوی معماری سرزمین ایران معرفی کرد می‌تواند بیانگر معماری اسلامی ایرانی باشد. در سخن «پیرنیا» هیچ زبان شکلی از معماری سنتی توصیف نشده و اصولی که معرفی کرده، حتی به مدرن‌ترین شکل آن

ابزارهایی برای تشخیص و تمایز در احیای معماری اسلامی هستیم و از آنجایی که تزیینات همواره به عنوان عنصری هویت‌بخش مطرح بوده‌اند، می‌توان از آن به عنوان ابزاری مهم در نیل به این هدف استفاده کرد؛ هرچند در دوران کنونی به تبع کلیت معماری، تزیینات نیز بسیار سردرگم و بی‌هویت شده و نمی‌توان در بسیاری از آنها اثری از مفهوم سرزمینی و هویتی یافت. از این‌رو نیاز به احیای هویت تزیینات در راستای هویت‌بخشی به معماری امری ضروری است.

سوال‌های پژوهش

- مؤلفه‌های معماری ایرانی-اسلامی کدامند؟
- نقش تزیینات در احیای هویت معماری ایرانی-اسلامی چیست و ارتباط آن با مؤلفه‌های ایرانی-اسلامی به چه صورت است؟

روش تحقیق

در این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، منابع مورد بررسی کیفی قرار گرفته و در نهایت با استفاده از روش استدلال به بیان مؤلفه‌های معماری ایرانی-اسلامی پرداخته شده است و در ادامه به چگونگی ارتباط و به کارگیری این مؤلفه‌ها در تزیینات معماری معاصر، به عنوان هدف نهایی می‌پردازد. روش جمع‌آوری اطلاعات نیز برآیندی از روش گردآوری کتابخانه‌ای با نگاهی کاوش‌گرانه و بازخوانی کتب و مقالات موجود در زمینه پژوهش است.

ادبیات موضوع: مؤلفه‌های معماری ایرانی اسلامی

• معماری ایرانی اسلامی (هویت در معماری ایرانی اسلامی)
هویت عمومی و به تبع آن هویت معماری از توجه به وجوه متمایزکننده فرهنگی به دست می‌آید. معماری ایرانی-اسلامی را می‌توان بخشی از هویت دانست و احیای هویت امری است که همه صاحب‌نظران بر ضرورتش صحنه گذاشته‌اند. از این‌رو در اینجا و پیش از ورود به بحث مفهوم هویت به صورت مجمل اشاره می‌شود:

مروری بر مفاهیم مرتبط با هویت نشان می‌دهد که توجه به هویت، هم جنبه معنوی و غیرمادی و هم جنبه مادی و کالبدی دارد. جنبه‌های مختلف هویت، نمی‌تواند منفک، منتزعه و مستقل از یکدیگر مطرح شود و هرکدام از آنها بر دیگری تأثیر دارند (نقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵۷). محیط نیز (اعم از شرایط کالبدی، معنایی و معنوی چرا که محیط، مفهومی فراتر از کالبد دارد) عامل مهمی در احراز هویتی خاص برای انسان است. «پروشانسکی»^۱ معتقد است که هویت مکانی زیرساختی از هویت خود است که شناخت‌های ذهنی فرد از دنیای کالبدی که در آن زندگی می‌کند را تشکیل می‌دهد. «کوبن لینچ» هم

می‌تواند به شکل‌گیری معماری ایرانی-اسلامی بیانجامد. این روند و مهمترین خصوصیات این نوع معماری در تصویر ۲ آمده است.

استخراج مؤلفه‌های معماری ایرانی-اسلامی

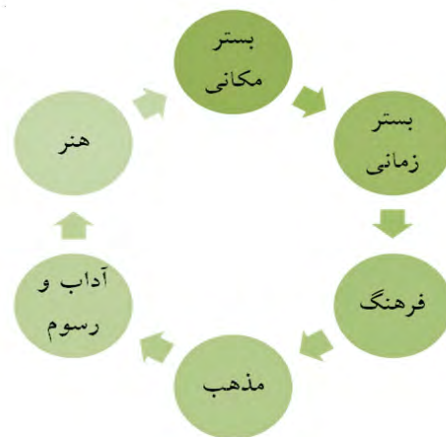
معماری ایرانی اسلامی برای برون‌رفت از مفهوم نظری صرف، نیازمند استخراج مؤلفه‌هایی است که بتواند در معماری و بنا بازنمود پیدا کند. از این‌رو نیاز به تعریفی کاربردی و عملیاتی دارد. در کاربردی‌ترین تعریف، معماری ایرانی اسلامی کالبد روح جامعه ایرانی است که مکتب فکری آن اسلام است. و به بیانی دیگر سنتی از وجود متعالی فرهنگ پیشین و کنونی است که باید به آینده نیز توجه داشته باشد. به طور کلی برای تحقق آن باید نگاه میان‌رشته‌ای داشت، به گونه‌ای که پنج معیار کلی «فرهنگ، اقتصاد، اقلیم، تحولات روح زمان و زیبایی»، که با مؤلفه‌های هویتی نیز در ارتباط هستند، به صورت توأمان در نظر گرفته شود. این معیارها می‌توانند متناسب با هر بستر و در هر دو بعد ظاهر و باطن (کالبد، معنا و عملکرد) استفاده و اجرا شوند تا نیازهای مادی و معنوی شهروند ایرانی را در هر زمان و مکان پاسخ‌گو باشند (یاری، ۱۳۹۳). معماری با بهره‌گیری از این پنج معیار، ابزاری برای معرفی خصوصیات جامعه ایرانی-اسلامی در سطح داخلی و بین‌المللی خواهد داشت (تصویر ۳).

این معیارها زیرمجموعه‌هایی دارند که با توجه به آنها می‌توان به معماری هویت‌مند ایران در دوران معاصر دست یافت. به عنوان مثال از زیر مجموعه‌های فرهنگ ایرانی می‌توان مذهب، هویت، اصالت، سیالیت و امنیت را نام برد. در خصوص معیار اقتصاد توجه به خودبسندگی، کارکردگرایی و پرهیز از اختلاف طبقاتی به کمک معماری اهمیت دارد. هنر هر آنچه که مفهوم زیبایی، تناسب، تعادل و ریتم خوشایندی داشته باشد ذوق زیبایی‌شناسی ایرانی را در بر می‌گیرد. از این‌رو می‌توان گفت هنر معطوف به زیبایی نسبی در جامعه است. اقلیم نشان می‌دهد که مفهوم سرزمینی ایران در قالب جغرافیا چگونه باید باشد. همان اصلی که معماران سنتی ایران در طی تاریخ برای پایداری از آن کمک گرفت. همه این معیارها اگر روزآمد شوند می‌توانند معماری ایرانی اسلامی و هویت‌تزیینات آن را احیاء کنند.

تزیین در معماری ایرانی اسلامی

فلسفه تزیین در معماری اسلامی

اگر زیبایی را جوهر هنر بدانیم دستیابی به هنر و زیبایی از موارد مهم ذکر شده در مؤلفه‌های معماری ایرانی-اسلامی است و بدین دلیل از معماری جدایی‌ناپذیر است. "آفرینش زیبایی در هنر ایران بر اصل تزیین استوار است، در معماری ایرانی قبل و پس از اسلام، عنصر تزیین نقش اساسی دارد و حضور تزیینات عمدتاً پرکار و متنوع از معماری و ساختمان



تصویر ۱. مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری معماری با هویت. مأخذ: نگارندگان.

در معماری امروز ما قابل اجراست. این اصول برخاسته از منطق عقلی است و در طبیعت به عنوان آفرینش الهی نیز وجود دارند و اثری که با این اصول شکل گیرد به طبیعت و خدا پایبند بوده و به انسان و به عقل انسانی، احترام می‌گذارد. به همین جهت الگوی معماری اسلامی ایرانی می‌تواند همواره زنده بماند. در واقع آنچه ضامن بقا و جاودانگی این نوع معماری است، انتساب آفرینش‌های هنری به خالق هستی‌بخش در کنار توجه متعادل به تمام ابعاد مطرح در معماری است (نقره‌کار، حمزه‌نژاد و فروزنده، ۱۳۸۸).

به طور کلی، مفاهیم بنیادین زیر را برای معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی می‌توان برشمرد:

مرکزیت، نظم و نظام، تعادل، کمال‌گرایی، تنوع، هماهنگی با طبیعت، حفظ حریم و حرمت اشخاص و خانواده (حرمت و محرمیت)، پرهیز از اسراف، کمال، چند کارکردی بودن فضا و عناصر شهری و آرامش. معماری دوران اسلامی علاوه بر ظاهری زیبا (که با استفاده از تزیینات اصیل بدان دست یافته بود)، باطنی عمیق و انسانی و با صفا دارد. همچنین معماری این دوره ضمن رعایت دستاوردهای علوم تجربی با روح و دل انگیز است به این معنا که حس، عقل و روح را تغذیه می‌کند.

معماری اسلامی ایران به مثابه یکی از کارآمدترین ابزار خلق فضا، نه تنها می‌تواند راهگشای معماران جوان این سرزمین در دوران معاصر باشد بلکه به سبب تکیه بر اصول و باورهای معنوی مردمان این سرزمین، می‌تواند در کنار فناوری‌های جدید در تعریف ژرف ساخت‌های نظر، الگوی مناسب و پیشرو برای نیازهای روزآمد ایران اسلامی، مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. در ترکیب فرهنگ اسلامی-ایرانی، جهان‌بینی اسلامی شکل می‌گیرد که به احیای هویت نظر دارد. این جهان‌بینی با تأثیر از مفهوم سرزمین و آداب و رسوم ایرانی در نهایت

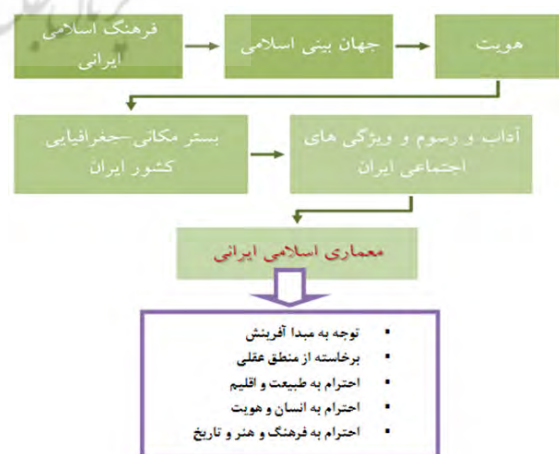
اصطلاح هارمونی تعریف شده است. صورت دیگر آن، به بیان گرایش، سبک و روش اثر هنری اشاره دارد؛ از جمله تزئینات معماری، تزئینات دیواری، تزئینات گچ‌بری، تزئینات نقاشی و کتیبه که غالباً در این موقعیت، به جای واژه دیوارنگاری معنا می‌دهد. زیبایی و خوشایندی هر اثر سنتی برای مخاطبان کمک می‌کند که آن اثر رنگ کهنگی نگیرد.

از سویی دیگر زیبایی‌شناسی هنر ایران بر اصل تزئین استوار است. در معماری نیز این امر صادق است، به گونه‌ای که به اعتقاد جونز معماری اسلامی «معماری فرم» نیست و درون‌مایه‌های آن بیشتر در قالب تزئینات مطرح می‌شود (ادریسی خسروشاهی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). معماری اسلامی تمام مدت و به طور خستگی‌ناپذیری مشغول تجربه با فرم‌های جدید نبود، بلکه ترجیح این بود که یا به بهسازی فرم‌های موجود بپردازند (مانند گذر از معماری سلجوقی به معماری مغول) و یا تزئینات بیشتری بیافزایند. بنابراین این فرم‌ها به خودی خود برای شناخت اسلامی بودن بنا کافی نیستند و از سوی دیگر هویت ساختمان را نیز الزاماً مشخص نمی‌کنند (هیلن براند، ۱۳۹۰: ۷۱). در معماری اسلامی عشق به تزئینات دست و دل بازانه که عملکرد آن از نمایش صرف فراتر می‌رود، یکی از موارد مهم زیبایی‌شناسی است و حتی شناسنامه تاریخی دوره‌های خاصی از معماری اسلامی محسوب می‌شود. تقریباً به غیر از استثناهایی در دو قرن اول هجری، مابقی بناهای دوران اسلامی دارای تزئینات هستند. در برخی دوره‌ها این تزئینات به شدت افتزاعی و هندسی بوده، در زمان‌هایی تزئینات گیاهی در قالب انتزاع اسلیمی وارد شده و در معدود زمان‌هایی تصاویر تزئینی انسانی و حیوانی نیز در معماری مشاهده می‌شود. "تزئین نوعی تقلید و الهام از طبیعت است که به اشکال گوناگون در هنر ظاهر می‌شود. طبیعت‌گرایی در تزئینات ایرانی و اسلامی ریشه در اعتقادات ایران باستان و تفکر اسلامی دارد. زیبایی‌های طبیعت در قالب‌های هندسی و تجریدی، رئالیستی و ناتورالیستی و سورئالیستی در دوران‌های مختلف جلوه‌گر شده است" (جوادی، ۱۳۸۵). نکته قابل توجه در معماری ایرانی دوره اسلامی آن است که به تدریج برای تزئین و آرایش ابنیه از کاشی‌های مسطح استفاده و از تزئینات برجسته ابنیه اروپایی و یا هندی که آنها را سنگین کرده و همچون باری بر آنها حس می‌شد، خودداری کردند (همان). زیرا پس از ظهور اسلام برای معماران مسلمان همچون سایر هنرمندان، دریچه‌های جدیدی از بینش به رویشان گشوده شد که تحولاتی بزرگ در تمام تجلیات فکری و هنری آنان به وجود آورد اشاره شد که تزئینات رایج در معماری کهن ایرانی با همه ویژگی‌های خود از گچ‌بری و آرایش با کاشی لعابدار و غیره به معماری اسلامی ایرانی راه یافت. بنابراین تزئینات معماری اسلامی تا حد زیادی عناصر

جدایی‌ناپذیر است. از دوره هخامنشی و ساسانی و پس از اسلام تا پایان دوران قاجار نیز شاهد زیبایی‌شناسی مبتنی بر تزئین هستیم" (جوادی، ۱۳۸۵). بنابراین می‌توان هنر ایران را دارای ویژگی اصلی تزئینی دانست. در معماری نیز علاقه به سطوح تزئینی با علاقه به اشکال ساختمانی برابر بوده و تزئینات در ارتباط اجزاء با کل ساخته می‌شود.

تزئینات معماری، مرکب از دو واژه تزئین و معماری است. معنای مستقیم تزئین، آراستن، آرایش‌کردن، مزین کردن است. واژه‌های مرتبط با تزئین در متون کهن ایرانی و اسلامی، بارها تکرار شده و همگی بر ماهیت آراستگی و شرافت‌بخشی و ارزش‌گذاری به ماده تأکید دارند. اگر در مفهوم و معادل‌های فارسی این کلمه دقت کنیم، مفاهیم کیفی یافت خواهد شد که می‌توانند به صورت کلی بر هر پدیده‌ای مصداق دلالت‌گری داشته باشند (کفشچیان مقدم، منصوری و شمسی‌زاده ملکی، ۱۳۹۲: ۵۸). در مقابل تزئین در دایره‌المعارف‌های غربی یا به مفهوم غربی آن به طبقه خاصی از آثار اطلاق می‌شود که لذت بصری صرف ایجاد می‌کند و در معنای خاص‌تر، آرایش یک سطح است با تأکید بر ماهیت دو بعدی آن که ارزش بصری کمتری نسبت به دیگر آثار داراست. چنانکه «ترنر» اعتقاد دارد: «تزئین یا الگو برای ساختار یک شیء ضروری نیستند، بلکه صرفاً برای زیبایی به کار برده می‌شوند» (Turner, 1996: 531). مشاهده می‌شود که این امر با تعاریف مطرح در متون و منابع اسلامی تفاوت دارد.

واژه تزئین در متون هنر اسلامی با دو معنای کلی و کاملاً مجزا به کار برده شده است؛ یکی تزئین به مفهوم زیبایی، آراستگی و هماهنگی کلی در یک مجموعه که در این صورت، به محصول و نتیجه کلی کار دلالت دارد و در زبان لاتین، این معنی با



تصویر ۲. روند و مهمترین خصوصیات معماری ایرانی اسلامی. مأخذ: نگارندگان.

اصلی آثار خود بهره برده‌اند. این اهمیت تا بدان جاست که ویلبر می‌گوید «در معماری شرقی و من جمله معماری اسلامی طرح زینت‌گری شرقی بر همه ملاحظات دیگر می‌چربد» (ویلبر، ۱۳۹۴: ۶).

تزئینات معماری اسلامی ایران مانند گچبری، آجرکاری، سنگ‌کاری و کاشی‌کاری گاهی با کاربرد مجزا و زمانی در تلفیق با یکدیگر توسط هنرمندان، نمایشی شگفت از زیبایی‌ها را پدید آورده و هنرمندان با به‌کارگیری طرح‌های گوناگون از طرح ساده گیاهی و هندسی گرفته تا خوشنویسی بر روی مصالح ساختمانی، خلاقیت و نبوغ خود را مکرراً به اثبات رسانیده‌اند (قوچانی، ۱۳۶۴: ۳). هنر تزئینات در این نوع معماری آرایشی ظاهری محسوب نمی‌شود، بلکه هنری راستین است که از عقاید ژرف خالقان آن نشأت می‌گیرد. در واقع تزئینات در معماری اسلامی مقوله‌ای بنیادینند نه سطحی (ادریسی خسروشاهی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). به این ترتیب است که تزئینات معماری اسلامی را باید هویت‌ساز این نوع از معماری تلقی کرد.

فرم و احجام معماری اصولاً انتزاعی هستند و بنابراین نقوش انتزاعی اسلامی تلفیقی بسیار مناسب و هماهنگ با معماری را به وجود آورده است. نقوش انتزاعی و هندسی در معماری اسلامی صرفاً به خاطر شیفتگی مسلمانان به تزئین و تنها براساس عشق به رنگ یا بافت و طرح نیست و احتمالاً پیام‌های عصر خود را نیز به همراه دارد. به اعتقاد هیلن براند «این نقوش هندسی و انتزاعی همانند تزئینات «فیگوراتیو» حاوی استعارات و پیام‌هایی نیز است» (هیلن براند، ۱۳۹۰: ۱۵). به عبارت دیگر این تزئینات حاوی هویتی هستند که می‌تواند دوره تاریخی و حتی مذهب و شرایط سیاسی حاکم و فرهنگ را نیز منتقل کند. «نجیب اوغلو» به پیوند نقوش اسلامی با عقاید دینی و تمایلات فرهنگی عمیقاً اعتقاد دارد (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹).

در یک جمع‌بندی می‌توان نتیجه گرفت که تزئین اصل اساسی هنر و معماری ایران در قبل و پس از اسلام است، تا بدانجا که معماری ایرانی-اسلامی به واسطه تزئیناتش تشخیص‌یافته و تعریف می‌شود. تزئیناتی که در دوران اسلامی در مفهوم و صورت متحول شدند و خود را با مفاهیم اسلامی تطبیق دادند، در دوران کنونی نیز می‌توانند با تطبیق خود با روح زمانه به احیای هویت خود و به تبع آن معماری ایرانی-اسلامی کمک نمایند. پس در این میان می‌توان گفت تزئینات هستند که وظیفه اصلی هویت‌بخشی به بناهای اسلامی را بر عهده دارند.

چگونگی تأثیر تزئینات ایرانی‌اسلامی در هویت‌دهی به معماری معاصر
معماری ایران طی تاریخ تحت تأثیر تحولات مذهبی و حکومتی

هویتی تاریخی ایرانی پیش از اسلام را با رنگ و بویی جدید در خود محفوظ داشته است.

عمده تحولی که در دوران اسلامی در رابطه با نقوش تزئینات شکل گرفت، حذف عناصر فیگوراتیو انسانی و حیوانی در ابتدای این دوره است. البته پایه‌ریزی این امر در دوره قبل از آن یعنی دوره ساسانی اتفاق افتاد، به گونه‌ای که استفاده از نقوش انسانی و حیوانی نسبت به دوره‌های قبل کمتر و نقوش هندسی بیشتر و اکثراً در حاشیه مورد استفاده قرار گرفت. در تمام آثار معماری ایران پیش از اسلام از نمادهایی برگرفته از باورها و اسطوره‌ها برای تزئین ساختمان‌ها استفاده می‌شد. در واقع تزئینات جلوه‌گر فرهنگ زمان خود بود و جنبه زیباسازی صرف نداشت. پس از اسلام نیز این روند ادامه پیدا کرد و حتی قوی‌تر از قبل توانست خود را به معرض نمایش بگذارد.

به طور کلی پس از اسلام نقوش گیاهی و هندسی بیشترین تنوع و کاربرد را پیدا کردند. آنچه تاکنون به عنوان تزئینات در هنر و معماری اسلامی مطرح بوده، اغلب به معنای نقوش گیاهی تجریدی (اسلمی) و نقوش هندسی است. هر زمان نقوش از کیفیتی فیگوراتیو خارج شد، در قالب تزئین طبقه‌بندی می‌شود. تا کنون دو دیدگاه کلی در خصوص آنچه در جغرافیای جهان اسلام، تزئینات معماری نامیده می‌شود، وجود دارد:

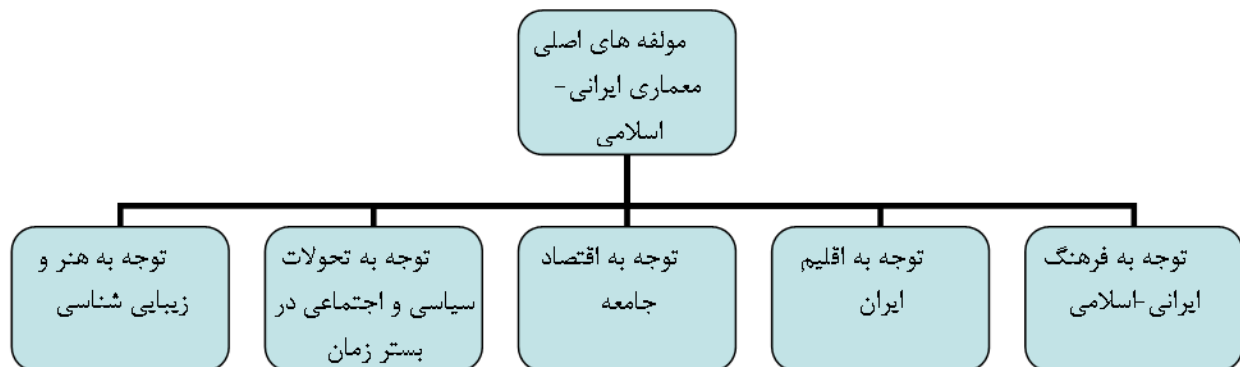
الف- دیدگاه مبتنی بر عملکرد ظاهری (مادی)

ب- دیدگاه مبتنی بر عملکرد معنایی و محتوایی (کشف‌چیان مقدم، منصوری و شمسی‌زاده ملکی، ۱۳۹۲: ۵۹)

در دیدگاه محتوایی و در تقابل با آرای شکل‌گرایان، کسانی چون «بورکهارت» معتقدند: این نقوش، ماهیتی غیرتاریخی، عرفانی و متفکرانه دارند و باز نمود وحدت در کثرت و کثرت در وحدت اند. از این منظر تزئینات فقط یک پوشش ظاهری نبوده، بلکه دارای بطون و سطوح مختلف با معناهای نمادین و متعالی است (بورکهارت، ۱۳۷۶). هرچند نمی‌توان بر جنبه‌های علمی نظرات بورکهارت و سایر سنت‌گراها تأکید کرد اما این امر واضح است که معماری اسلامی ساده و برگرفته از طبیعت است و همین سادگی و استفاده از فرم‌های طبیعت سبب جاودانگی و تداوم آنها در طی زمان شده است.

اهمیت تزئینات در هویت‌بخشی به معماری

زیبایی و ارزش‌های هنرهای اسلامی به ویژه معماری تا حدود زیادی به تزئینات آن بستگی دارد. در خلال چهارده قرن سابقه هنرهای اسلامی، تزئینات گوناگون از اهمیت شایسته‌ای برخوردار بوده و در تمامی ادوار اسلامی هنرمندان در توسعه و تکامل آن از هیچ کوششی دریغ نورزیده‌اند. معماران در طول تاریخ و تا پیش از مدرنیته از تزئینات به عنوان یکی از عناصر



تصویر ۳. معیارها و مؤلفه‌های معماری اسلامی قابل کاربرد در دوران معاصر - ایرانی مأخذ: نگارندگان.

۳۷۳). برای معماری ایرانی-اسلامی ظهور فرهنگ بدون تزئینات به عینیت‌بخشی اندیشه ایرانی منتهی نخواهد شد. زیرا به گفته ویلبر تزئین بر تمام ملاحظات معماری ایرانی در دوران اسلامی برتری داشته است (ویلبر، ۱۳۹۴: ۶). معماری ایران و تزئینات آن، برآمده از فرهنگ ایرانی و حاصل عمل ذوق ایرانی و فرهنگ ایرانی در بستر جغرافیای آن است. به بیان دیگر و بر اساس یافته‌های مقاله در استخراج مؤلفه‌های پنج‌گانه معماری ایرانی اسلامی می‌توان گفت که راه عملی هویت‌بخشی به تزئینات، کاربرد پنج معیار مطرح در تزئینات معماری بناهای کنونی است و باید در ابتدا این موارد را کاربردی‌تر کرد. در تصویر ۴ هر یک از این موارد به تفصیل در زیر شاخه تزئینات توضیح داده شده است.

نتیجه‌گیری

تزئینات بخش مهمی از معماری ایران پس از دوران اسلامی است که همواره به وسیله آن مفاهیمی فراتر از زیبایی‌شناسی صرف بیان شده است. مفاهیمی فرهنگی که در خود ریشه‌های مذهبی، هویتی، تاریخی و سیاسی دارند. از این رو به عقیده صاحب‌نظرانی چون «براون» و «نجیب اغلو»، تزئینات در معماری ایرانی - اسلامی متفاوت بوده و نقش هویتی به عهده دارند. در این پژوهش در قالب پنج دسته کلی به بیان مؤلفه‌های معماری اسلامی-ایرانی اشاره شد که می‌توانند هویت‌بخش باشند. مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری معماری با هویت عبارت است از: بستر زمانی، بستر مکانی، فرهنگ، مذهب، آداب و رسوم و ضوابط هنر بومی. تزئینات در ذیل دسته هنر تعریف می‌شود. در حقیقت تزئین در معماری تحت تأثیر هنر سرزمین که فرهنگ و بستر زمانی و مکانی به آن شکل داده، بخشی از مجموعه هویت‌بخش معماری را تشکیل می‌دهد. در معماری معاصر التقاطی ایران که ترکیبی از سبک‌های غربی بوده، توجه به تزئینات هویت‌مند بسیار اندک است. توجه به تزئینات

درونی و بیرونی و همچنین عوامل تأثیرگذار وابسته بدان بوده و دستخوش تغییرات فراوانی شده است. در برخی از مقاطع تاریخ این تحولات چنان بنیادین بوده که سبک‌ها و چالش‌های فراوانی را در فضای معماری و نیز اجزای آن همچون تزئینات موجب شده است. تزئینات معماری طی تاریخ بخشی از فرآیند هویت‌بخشی بوده است. در این میان، یکی از ابزارهای تأثیرگذار بر هویت هنر معماری تزئینات آن به واسطه شرایط مذهبی در هر دوره و نوع حکومت است. ورود اسلام به ایران به گونه‌ای بود که به تدریج بر تمام جنبه‌های زندگی و فرهنگ ایرانیان و حتی نوع و شرایط حکومت‌داری تأثیر گذاشت. واضح است که قدرت این مذهب بسیاری از ساختارهای فرهنگی ایرانیان را تغییر داد و تغییر این ساختارها بر محصولات فرهنگی و به خصوص معماری و تزئینات آن نیز موثر واقع شد. به اعتقاد صاحب‌نظران معماری ایرانی اسلامی، در دوران کنونی از اصول حاکم بر تزئینات معماری اسلامی و تأثیر و تأثر آن بر فرهنگ و مشی مردم کمتر سخن به میان آمده است. «اگر مبانی و راه‌های تجلی این اصول مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر نیز باشد. آن‌گاه می‌توان از معماری اسلامی-ایرانی معاصر با مشخصات تزئینی فرهنگی‌اش سخن گفت» (نقی‌زاده ۱۳۸۱: ۹۱-۹۲). «نقره‌کار» و «مولانایی» نیز بر نقش هویتی تزئینات صحنه گذاشته‌اند: «تزئینات معماری ایرانی-اسلامی تفاوت‌هایی به بناهای خاورمیانه‌ای می‌افزودند که ریشه در ساختار اعتقادی و فرهنگی آنان داشت. بی‌توجهی به این تزئینات باعث بی‌هویتی در اغلب آثار معماری معاصر شده است» (نقره‌کار و مولانایی، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

وظیفه هر بنا به عنوان جزئی از فرهنگ معماری، عینیت‌بخشیدن به یک اندیشه به وسیله ظرف خاص آن است و بدین ترتیب این ظرف نمودی برای سنجش این فرهنگ خواهد بود، لذا هر ساختمان، خود یک شاهد فرهنگی است (معماریان، ۱۳۸۷:

به دور از تفاخر و تبلیغ اجرا می‌شده است. می‌توان گفت پرهیز از تجمل مسرفانه در تزیینات نیاز است که با مفاهیم اسلامی نیز تناسب بیشتری دارد.

اقلیم: توجه به اقلیم در معماری ایرانی اسلامی از عوامل مهم ماندگاری این معماری در طول تاریخ بوده است. در بحث تزیینات این شاخصه می‌تواند در تزیینات خارج ساختمان لحاظ شود. توجه به مصالح، رنگ و فرم مرتبط با هر اقلیم در کشور از ضروریات ماندگاری و پیوند سرزمینی تزیین با بستر است. مواردی چون توجه به استفاده از مصالح بومی و پایدار و نیز تکنولوژی ساخت همساز با اقلیم.

توجه به روح زمانه و تحولات سیاسی و اجتماعی: آنچه سبب می‌شود برداشت‌های تاریخی رنگ کهنگی به خود نگیرد و به تقلیدی کپی‌گونه فرو نکاهد، توجه به تحولات زمان و روح زمانه است. اگر تکنولوژی مصالح نوین با مفاهیم تزیین ایرانی-اسلامی پیوند خورده و آموزش و قوانین نیز در این میان نقش خود را ایفا کنند، مطمئناً تزییناتی هویت‌مند و متناسب با تحولات روز دنیا در بناهای معماری عرضه خواهد شد. توجه به ارزش‌های کنونی جامعه ایرانی پس از انقلاب نیز در این مورد از ضروریات است.

زیبایی به عنوان جوهر هنر: در اینجا منظور از زیبایی آن بخشی است که توجه به سلیق جامعه ایرانی-اسلامی دارد و آنچه که پویایی و جذابیت تزیینات دوران معاصر را تضمین می‌کند،

معماری معاصر ایران بیشتر بر تزیینات غربی و نئوکلاسیک توجه دارد. تنها در برخی از انواع معماری دولتی می‌توان توجه به تزیینات اسلامی-ایرانی را مشاهده کرد که آن نیز برداشتی سطحی، تقلیدی و عینی از تزیینات کهن محسوب می‌شود. این در حالی است که تزیینات معماری ایران می‌توانند تأثیر جریان‌سازی بر هویتی معماری معاصر داشته باشند.

تزیینات مانند معماری ایرانی-اسلامی کالبدی برای روح جامعه ایرانی مسلمان است که متأثر از مکتب فکری اسلام بوده و با ریشه هویتی و سرزمینی ایران پیوند خورده است. به بیانی دیگر سنتزی از وجود متعالی فرهنگ پیشین و کنونی است که باید به آینده نیز توجه داشته باشد. برای تبیین جایگاه تزیینات در معماری اسلامی ایران معاصر به مانند خود معماری باید از پنج شاخصه استخراج شده برای معماری اسلامی-ایرانی استفاده کرد و آنها را به کار گرفت:

• فرهنگ: توجه به فرهنگ شهروند ایرانی در تزیینات به دور از برداشت‌های سطحی. توجه به عناصر مذهب، هویت و اصالت، سیالیت.

• اقتصاد: توجه به موضوع اقتصاد در دوران معاصر از جنبه‌های مهم معماری است. در تزیینات کنونی بناها هزینه‌های بسیاری صرف شده و تزیینات را به عنوان ابزار تفاخر و تمول به جای ابزاری هویت‌بخش معرفی کرده است. حال آن که تزیینات در معماری اسلامی همواره با اقتصاد کلی جامعه متناسب بوده و



تصویر ۴. چگونگی کاربرد معیارها و مولفه‌های معماری ایرانی-اسلامی در تزیینات معماری دوران معاصر- ایرانی مأخذ: نگارندگان.

طراحی و اجرای هنرمندانه است که باید بر پایه زیبایی‌شناسی تاریخی و کنونی شهروند ایرانی باشد. مانند کاربرد عناصر ساده و طبیعی منبعت از مفاهیم تزیین ایرانی-اسلامی.

پی‌نوشت‌ها

۱. Proshansky

۲. زان، تزیین، تزینت، آذین، زینته، المیزین، تزیینی، تزیینات.

فهرست منابع

- ادیسی خسروشاهی، نازیلا. (۱۳۸۶). حکمت تزیینات در هنر و معماری اسلامی، نشریه معماری ساختمان، (۱۴): ۱۰۱-۱۰۳.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۶). روح هنر اسلامی، ترجمه: سید حسین نصر، هنر و مردم، (۵۵): ۷-۱.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۵). تزیین، عنصر اصلی در زیبایی‌شناسی هنر اسلامی، باغ نظر، (۳): ۵۷-۵۱.
- حبیب، فرح، نادری، سید مجید و فروزان‌گهر، حمیده. (۱۳۸۷). پرسمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت (کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر؟) هویت شهر، ۲ (۳): ۱۳-۲۳.
- ذوالفقارزاده، حسن و حصار، پدram. (۱۳۹۳). نظریه بوم‌شناسانه به معماری زیستگاه‌ها، فصلنامه مسکن و محیط روستا، (۱۴۵): ۲۹-۴۴.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۵۵). مقدمه بر لوکوربوزیه، منشور آتن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قوچانی، عبدالله. (۱۳۶۴). خط کوفی معقلی در مساجد باستانی اصفهان. تهران: بنیاد اندیشه اسلامی
- کفشچیان مقدم، اصغر، منصور، سید امیر و شمسی‌زاده ملکی، روح‌الله.

(۱۳۹۲). بررسی تزیینات معماری سنتی ایران از منظر دیوارنگاری، هنرهای

زیبا، هنرهای تجسمی، ۱۸ (۳): ۵۷-۶۴.

- معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). معماری ایرانی، تهران: انتشارات سروش.
- نجیب اوغلو، گلرو. (۱۳۷۹). هندسه و تزیین در معماری اسلامی، چاپ اول، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: روزنه.
- نقره‌کار، عبدالحمید، حمزه‌نژاد، مهدی و فروزنده، آسان. (۱۳۸۸). در جستجوی راز جاودانگی آثار معماری، باغ نظر، (۱۲): ۳۱-۴۴.
- نقره‌کار، عبدالحمید، مولانایی، صلاح‌الدین. (۱۳۹۲). تأثیر اندیشه‌های غربی بر هویت معماری معاصر ایران با تأکید بر مبحث پست‌مدرنیسم در معماری تهران. مقالات بنیادی و کاربردی در حکمت هنر و معماری اسلامی، جلد سوم: ۲۰۵-۲۱۶.
- نقره‌کار، عبدالحمید و علی‌الحسابی، مهران. (۱۳۹۶). تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی، تهران: انتشارات کتاب فکرونو.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۱). تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی، هنرهای زیبا، (۱۱): ۶۲-۷۶.
- ویلیبر، دونالد. (۱۳۹۴). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی، ترجمه: عبد‌الله فریار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- هیلن براند، رابرت. (۱۳۹۰). معماری اسلامی: فرم، عملکرد و معنی، ترجمه: ایرج اعتصام، تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- یاری، فهیمه. (۱۳۹۳). «پیش‌درآمدی بر مطالعه و تحقیق در زمینه استفاده از مؤلفه‌ها و ارزش‌های معماری ایرانی-اسلامی». مرکز تحقیقات وزارت راه، مسکن و شهرسازی.
- Turner, J. (1996). *Encyclopedia Britannica, a new survey of universal knowledge*, volume 16, The dictionary of art, in thirty - four volumes. Oxford University Press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ممانی، حمید، یاری، فهیمه و حقیر، سعید. (۱۳۹۷). مؤلفه‌های معماری ایرانی-اسلامی و نقش هویت بخش تزیینات

مجله هنر و تمدن شرق، ۶ (۲۰): ۳۷-۴۶.

DOI:10.22034/JACO.2018.77148

URL: http://www.jaco-sj.com/article_77148.html





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی